

بررسی چند سند تاریخی درباره‌ی امور شهر

عباسقلی صادقی

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

فروزنده کاظمی

کارشناس مالی وزارت علوم و تحقیقات و فن‌آوری



رها کردن کودکان ناخواسته توسط مادر از همه جا بریده و قطع امید کرده درکنار خیابان‌ها و کوچه‌ها، از اعمالی است که امروزه نیز در کلانشهرها شاهد آن هستیم. در این میان مادرها سعی می‌کنند کودک را در محل‌های قرار دهند که کودک سالم مانده و توسط افراد متمول و دلسوز یافته شده و زنده بماند.

اولین سند در رابطه با کودک رها شده‌ای است که در کنار دیوار ژنرال کنسولگری انگلیس رها شده و ژنرال کنسول کودک پیدا شدن را به مقامات شهر تبریز اطلاع می‌دهد.

معتبرب النحا تا ناما دوستان استظهار راه، مشفقا مکرم.

طفل شیر خوری را در بازارچه دروازه مهادهمین انداخته اند که اگر کسی متوجه او نشده شیر ندهد احتمال می‌رود از گرسنگی امروز یا امشب تلف شود، یا اگر درهمان جا بماند و کسی نبرد شب او را جانور بخورد.

دوستدار می‌تواند او را بدهد یک نفر ضعیفه شیردار نگاهدارد و کفیل اجرا {ی} جانب او بشود. ولیکن این قدر می‌داند {که} هرگاه این عمل را بکند هرروزه بچه آورده درجوار قونسولگری خواهد انداخت. لهذا به آن دوستان استظهاری

شهرها دارای سیستم پیچیده‌ای هستند و اداره امور آن‌ها نیز همین پیچیدگی را دارد، به ویژه در کلانشهرها که جمعیت در آن از عادات و رسومات خرده فرهنگ‌های گوناگون تشکیل شده‌اند. هماهنگ شدن و تنظیم و تداخل این خرده فرهنگ‌ها که منتج به یک سازگاری و نظم رفتاری وهم زیستی سالم شود به زمان طولانی نیاز دارد، به ویژه که در این میان افرادی پیدا شوند که سخت پایبند عادات و فرهنگ زمین‌های اولیه خود باشند.

در این میان مشکلاتی را شاهد هستیم که آپارتمان نشینان با هم دارند از قبیل: رعایت نظافت مشاعات، رعایت سکوت در شب، پرداخت شارژها، مصرف عادلانه و سرانه آب و گاز و....

در این گفتار چند سند تاریخی را بررسی می‌کنیم که وقایع آن حدود یک قرن ونیم پیش در شهر تبریز به وقوع پیوسته است، این وقایع شایع آن چنان بوده که تکرار آنرا امروز هم می‌بینیم و می‌شنویم. و در پایان چند عکس مربوط به تبریز ارایه می‌شود که حدود یک قرن پیش تهیه شده است.

ادامه بحث را با بررسی اولین سند پی می‌گیریم.

با گسترش شهر و سرازیر شدن مهاجران تازه، حاشیه شهر بلعیده شده و جزو مناطق مسکونی شهر می‌شود. در این صورت حاشیه‌ها به شعاع دورتر منتقل می‌شوند در این میان چنان‌که گفته شد تأسیسات و کارخانه‌های مستقر در حاشیه در درون شهر قرار می‌گیرند.

تعدادی از آنها آلوده کننده بوده و آلودگی‌های فیزیکی و شیمیایی زیست محیطی را برای ساکنین ایجاد می‌کنند چنانکه خاک، آب و هوا را آلوده کرده و بیماری‌های اپیدمیک و ساری را سبب می‌شوند. از جمله این تأسیسات دباغخانه‌هاست به‌خصوص که روش کار در آن سنتی و غیرعلمی باشد. همین قدر می‌توان گفت که یک دباغخانه بوی تعفنی را ایجاد می‌کند که کلیه ساکنان یک شهر بزرگ از آن در حال رنج خواهند بود.

در این قسمت از گفتار سندی را بررسی خواهیم کرد که در آن انتقال یک کارخانه دباغی به بیرون شهر مطرح شده است.

مقرب الخاقانا، دوستان استظهاراً مشفقاً مکرماً.

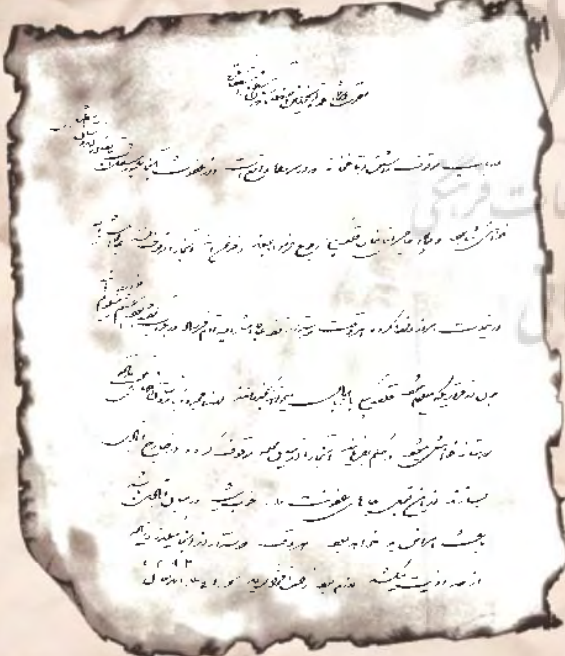
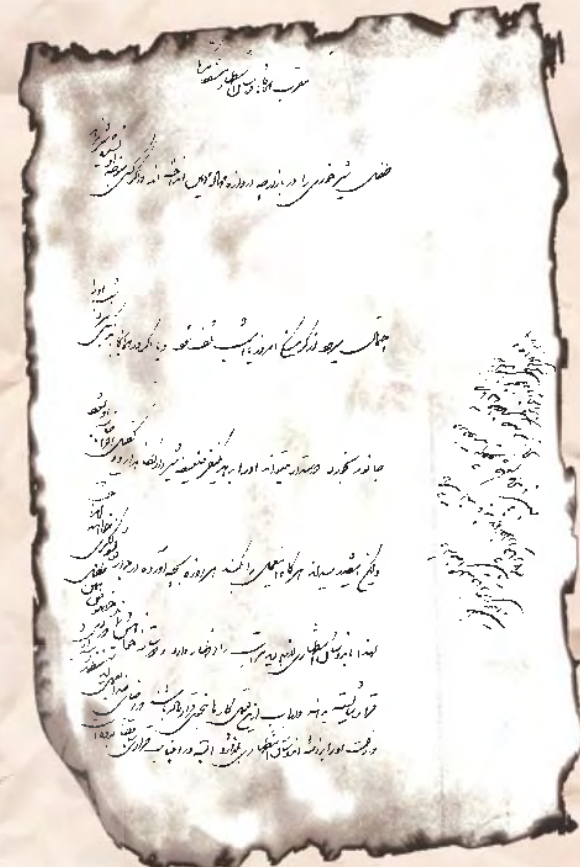
در سر راه محله اهراب (۱) نزدیکی قبرستان جایی هست که در آنجا دباغی می‌کنند. بوی تعفن زیاد از آنجا می‌آید و باعث انزجار مردم است، حتی راضی هستند که آن چه شخص دباغ در آنجا مصرف کرده است به او بدهند موقوف کند، چون دباغخانه مزبور نزدیک جنرال قونسولگری است، لهذا خواهش می‌شود به عالیجاه حاجی آقاخان قلعه بیگی اظهار دارند که آنجا را قدغن نماید که موقوف داشته در جایی که خارج از آبادی باشد، ساخته مشغول

لازم دید مراتب را اظهار دارد، و دوستانه خواهش نماید که درخصوص همین طفل قرارشایسته بدهند و درباب از این قبیل کارها به نحوی قرارداده باشند که رضای خدا به عمل آید. منظور دوستان آن است که زحمت او را بر ذمه آن دوستان استظهاری بگذارد. البته در این باب قراری سابقاً بوده است که کدخدای محله و یا دیگری مواظب داشته‌اند.

باز به همان طور رفتار نمایند و زودتر این فقره حکم داده باشند که به آن طفل صدمه زیاد از گرسنگی نخورد.

زیاده زحمت است فی ۱۵ شهر ذیحجه ۱۲۷۹ قمری مهر کنت اندر روایت. ادامه گفتار را با بررسی سند دیگری دنبال می‌کنیم.

هرروزه هزاران مهاجر به امید پیشرفت و به‌دست آوردن امکانات زندگی بهتر به شهرها به‌خصوص شهرهای در حال توسعه که در وضعیت تبدیل شدن به قطب هستند و مهاجرپذیر سرازیر می‌شوند. این شهرها دارای حاشیه‌هایی است که در آن تأسیسات مختلفی ایجاد شده‌اند.



کاسبی بشوند. زیاده چه زحمت دهد. فی
 ۲۹ شهر ربیع الثانی ۱۲۸۲ قمری. مقرب
 الخاقان، دوستان استظহারی، مشفق
 مکرم میرزا عبدالوهاب خان نایب الوزرا
 ملاحظه نمایند. مهر کنت اندرود ایت.

ادامه گفتار را با بررسی سندی دیگر
 درمورد در خواست مجدد انتقال دباغخانه
 به خارج شهر و تعلل، تسامح و تعافل
 قلعه بیگی در کار انتقال دباغخانه به
 خارج شهر پی می گیریم.

مقرب الخاقانا، عمده الموائین العظاما،
 دوستان استظهارا، مشفقاً مکرم.

درباب موقوف داشتن دباغخانه که
 در سرراه واقع است واز عفونت آنجا
 عبورمشکل است، سابقاً از آن دوستان
 استظহারی خواهش شده بود، و به عالیجاه
 حاجی آقا خان قلعه بیگی رجوع فرموده
 بودند که قدغن نمایند آنجا را موقوف
 کنند. عالیجاه مشارالیه در این مدت امروز
 و فردا کرده هروقت دوستدار نزد عالیجاه
 مشارالیه آدم فرستاد، در جواب گفته بود:
 به چشم، می گویم خراب نمایند. چون از
 قراری که معلوم می شود قلعه بیگی باز
 به اهمال می خواهد بگذرانند، لهذا مجدداً
 به آن دوستان استظহারی زحمت داده
 دوستانه واهش می شود که حکم بفرمائید
 آنجا را از میان محله موقوف کرده در
 خارج آبادی بسازند. از این قبیل جاهای
 عفونتدار خوب نیست در میان آبادی
 باشد زیرا که باعث امراض بد خواهد بود،
 هر وقت دوستدار از آنجا می گذرد، زیاد
 از اذیت می کشد.

لازم بود زحمت افزا گردید. تحریرا فی
 ۱۶ شعبان ۱۲۸۳ قمری. مقرب الخاقان،
 عمده الخوانین العظام، دوستان استظهار،
 مشفق مکرم میرزا عبدالوهاب خان نایب
 الوزرا ملاحظه فرمایند. مهر کنت
 اندرود ایت.

منابع:

- ۱- صادقی عباسقلی، فروزنده کاظمی، مکاتبات
 دول تلاته با دولت ایران (جلد اول انگلیسی)،
 انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، تهران، ۱۳۸۶
- ۲- مجموعه استاد خصوصی عباسقلی صادقی

